

## بررسی تناسب‌های زبانی در نام‌گذاری دوقلوها

(مطالعه موردی نام‌های دوقلوهای کرمانی متولد سال ۱۳۹۲)<sup>۱</sup>

\*منوچهر فروزنده‌فرد

### چکیده

نام‌شناسی حوزه‌ای از زبان‌شناسی است که به بررسی جنبه‌های گوناگون نام و نام‌گذاری مانند جنبه‌های زبانی، اجتماعی و روان‌شناختی آن‌ها می‌پردازد. یکی از موضوعاتی که در این حوزه تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته و می‌تواند نظر زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان را به خود جلب کند، بررسی تناسب‌های زبانی در نام‌های دوقلوهاست. نگارنده با این فرض که شباهت‌های ظاهری و رفتاری دوقلوها باعث می‌شود والدین برای آن‌ها نام‌های مشابهی در نظر بگیرند، کوشیده است تناسب‌های زبانی موجود در نام‌های دوقلوهای کرمانی متولد سال ۱۳۹۲ را در سه حوزه واج‌شناسی، صرف و معنی‌شناسی بررسی و طبقه‌بندی کند و سپس نتایج به‌دست‌آمده از سطوح مختلف تحلیل را با یکدیگر مقایسه نماید. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، تناسب واج‌های آغازی و پایانی، تناسب در ساختمان کلمه و تناسب‌های مذهبی، اسطوره‌ای و فرهنگی از مهم‌ترین انواع تناسب زبانی در نام‌های دوقلوها به شمار می‌روند. همچنین در بخش دیگری از مقاله با نگاهی آماری، برخی گرایش‌های زبان‌شناختی در نام‌گذاری کودکان تحلیل شده‌است. نتایج این پژوهش علاوه بر یاری رساندن به تحلیل‌های جامعه‌شناسان زبان در حوزه نام‌گذاری، اهمیت تناسب بلاغی در نام‌گذاری را نیز نشان می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** تناسب زبانی، نام‌شناسی، نام‌گذاری، دوقلوها، گرایش‌های زبان‌شناختی

---

<sup>۱</sup> نگارنده سیاست‌گذاری از راهنمایی‌های استادان ارجمند دکتر شادی شاه‌ناصری، دکتر علی جهانشاهی افشار و جناب آقای مجید باغینی‌پور را بر خود فرض می‌داند.

\* - دانشجوی کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه شهید باهنر کرمان

## ۱- مقدمه

بنیاد زبان بر نام و نامیدن است. «انسان با نامیدن آنچه هست، دایره هستی را تمامیت می‌بخشد. زبان بشری نه تنها آنچه «هست» را می‌نامد، بلکه آنچه «نیست» را نیز می‌نامد و با این نامیدن، «نیستان» را نیز در جوارِ هستان گونه‌ای هستی می‌بخشد» (آشوری، ۱۳۹۲: ۱۲). از همین روست که در زبان و ادب فارسی، «نام» به معنای «هستی» به کار رفته است؛ چنان‌که خالقی مطلق (۱۳۸۹: ۲) عبارت «خداوند نام و خداوند جای» را در *شاهنامه*، به معنای «خداوند کون و مکان» می‌داند. همچنین از همین جاست که معتقدند «الاسماء تنزل من السماء: نام هر چیز و هر کس از آسمان فرود آید» (دهخدا، ۱۳۶۳: ۲۳۳).

از اعتقادات اقوام کهن که در اساطیر و حماسه‌ها متجلی شده است این بود که اسم معرف کامل مسمی است (نام عین ذات است) و اگر کسی اسم کسی را بدانند، به معنی این است که او را به درستی می‌شناسد و لذا بر او احاطه و تسلط دارد. از این جاست که به زبان رمز گفته شده است که خداوند هزار و یک اسم دارد و یکی از آن‌ها که اسم اعظم باشد دست‌یافتنی نیست؛ یعنی هیچ‌گاه خداوند را چنان‌که باید و شاید نمی‌توان شناخت. بدین ترتیب در تفسیر آیه معروف در داستان آفرینش، «و علم آدم الاسماء کلها» (بقره، ۳۱)، می‌توان گفت که خداوند شناخت را در اختیار آدمی قرار داد و او توانست جهان را در طی شناخت خود نام‌گذاری کند (شمیسا، ۱۳۷۹: ۸۲).

در قرآن کریم خداوند خود را دارای نام‌های نیکو می‌داند: «و لله الاسماء الحسنی، فادعوه بها: و نام‌های نیکو از آن خداست؛ پس او را بدان‌ها بخوانید» (اعراف، ۱۸۰).<sup>۱</sup> در اسلام از «اسم اعظم» خداوند نیز یاد شده است. برخی معتقدند تمامی نام‌های خدا، اسم اعظم‌اند. خرمشاهی می‌نویسد: «اسمی می‌تواند اسم اعظم باشد که معنای آن دربردارنده معانی تمامی اسماء الهی به طور مجمل باشد و در عین حال باید مظهر و دربردارنده حقایق تمامی مخلوقات - که مظاهر اسماء حق‌اند - باشد، و این خاصیت تنها در اسم «الله» به طور

<sup>۱</sup> - همچنین: له الاسماء الحسنی: نام‌های نیکو از آن اوست. (اسراء، ۱۱۰؛ طه، ۸؛ حشر، ۲۴)

مطابقی و حقیقی دیده می‌شود و در اسم [های] رحمان، حی و قیوم به طور ضمنی یا التزامی قابل اعتبار است». (خرم‌شاهی، ۱۳۷۹: ذیل «اسماء الله»)

مطابق روایات، اسم اعظم بر نگین انگشتری سلیمان (ع) حک شده بود و او به یاری اسم اعظم می‌توانست بر جهان فرمان برآید. حافظ بارها به «اسم اعظم» در رابطه با داستان حضرت سلیمان (ع) و دیوی که انگشتری او را ربود اشاره می‌کند؛ از جمله در این بیت:

سزد کز خاتم لعلش ز نم لاف سلیمانی

چو اسم اعظم باشد، چه باک از اهرمن دارم؟

(حافظ، ۱۳۹۰: ۲۲۳)

در حماسه، معمولاً پهلوان نام خود را به دشمن نمی‌گوید؛ چنانکه رستم، اسم خود را به سهراب نگفت. فرود هم اسم خود را (جز بهرام) به کسی نگفت و فاجعه به همین سبب پیش آمد. در داستان نبرد اشکیوس کُشانی با رستم، اشکیوس وقتی مشاهده می‌کند که مردی پیاده به جنگ او آمده‌است، او را خام و بی‌تجربه انگاشته و از فرصت استفاده می‌کند و با لبخند استهزا نامش را می‌پرسد. اما رستم کار آزموده نام خود را فاش نمی‌کند و رندانه پاسخش می‌دهد (فردوسی، ۱۳۹۴: ۲/۵۶۷):

مرا مام من نام مرگ تو کرد!      زمانه مرا پُتکِ ترگِ تو کرد!

جالب است که در جنگ‌های صلیبی هم پهلوانان و شوالیه‌ها نام حقیقی خود را کتمان می‌کردند و در عوض، «نام جنگ» (nom de guerre) داشتند (شمیسا، ۱۳۷۹: ۸۳).

در گذشته نام‌گذاری در میان ملت‌های جهان به گونه‌ای متفاوت بوده‌است.<sup>۱</sup> از شاهنامه چنین برمی‌آید که در دوره اساطیری نام کودک را بلافاصله بعد از تولد انتخاب نمی‌کرده‌اند، بلکه هنگامی که به سن ازدواج می‌رسید بر او نام می‌نهادند؛ چنان‌که فریدون، پادشاه نامدار اساطیری، برای سه پسرش در آغاز نامی نمی‌نهد و پس از ازدواج و آزمون بر آن‌ها نام می‌نهد. عروسان نیز که دختران شاه یمن هستند هنگامی که فریدون از آنان برای سه پسرش خواستگاری می‌کند، نامی ندارند و فریدون پس از نام‌گذاری پسران،

<sup>۱</sup> - برای آگاهی از سیر نام‌گذاری در ایران به صادقی (۱۳۸۷) بنگرید.

بر عروسان نیز نام می‌نهد (بنگرید به فردوسی، ۱۳۹۴: ۱/ ۶۱-۵۳)<sup>۱</sup>. در میان سرخ‌پوستان نیز چنین رسمی بوده‌است. برای کودک بلافاصله بعد از تولد نامی برنمی‌گزیدند، بلکه منتظر می‌شدند تا کودک کاری خاص انجام دهد مثلاً جانوری شکار کند یا گیاهی جدید بشناساند و به هر حال ابتکاری از خود نشان دهد تا برحسب آن ابتکار، برایش نامی درخور انتخاب کنند (انصاری و شرکت افتخار، ۱۳۸۴: پیشگفتار انوری)<sup>۲</sup>.

نام‌گذاری در اسلام اهمیت بسیار دارد. در احادیث و روایات اولین نیکی پدر به فرزند خود، «برگزیدن نام نیکو برای او» دانسته شده‌است (برای نمونه بنگرید به ابن بابویه ۱۴۱۳: ۴/ ۳۷۲) و مجلسی (۱۴۰۳: ۱۰۱/ ۱۳۰)<sup>۳</sup>. همچنین در احادیث آمده‌است: «إِذَا سَمَّيْتُمْ مُحَمَّدًا فَلَا تَضْرِبُوهُ وَلَا تَحْرِمُوهُ؛ هرگاه فرزند خود را به نام محمد خواندید، او را مزید و محروم نکنید.» (کشف الخفا و شرح تعرف؛ نقل شده در عطار، ۱۳۸۸: ۳۰۶، تعلیقات مصحح) و همچنین آمده‌است: «إِذَا سَمَّيْتُمْ مُحَمَّدًا فَأَكْرِمُوهُ وَأَوْسِعُوا لَهُ فِي الْمَجْلِسِ وَلَا تَقْبَحُوا لَهُ وَجْهًا؛ وقتی کسی را محمد می‌نامید، او را گرامی بدارید و در مجلس جای برای او باز کنید و روی بر او ناخوش نکنید.» (شرح تعرف؛ نقل شده در عطار، ۱۳۹۰: ۳۳۲، تعلیقات مصححان)

از همین رو عطار، که نامش «محمد» است و افتخار هم‌نامی با پیامبر (ص) را دارد، برای خود «حق هم‌نامی» قائل است؛ چنان که در خطاب به آن حضرت می‌گوید:

حاجتم آن است ای عالی‌گهر      کز سرِ فضلِ کنی در من نظر  
از گنه، رویم نگردانی سیاه      حق هم‌نامی من داری نگاه

(عطار، ۱۳۸۸: ۹۴؛ همو، ۱۳۹۰: ۱۰۶)

<sup>۱</sup>- فریدون سرانجام پسرانش را سلم، تور و ایرج و همسران آنها را به ترتیب آرزوی، ماه آزاده‌خوی و سهی می‌نامد.  
<sup>۲</sup>- «واژه «نوم‌خواسته» که امروز در گویش‌های محلی کرمان وجود دارد ناظر به همین واقعیت است و آن به جوانی گفته می‌شود که هنری و لیاقتی از خود بروز داده باشد.» (برومند سعید، ۱۳۸۳: ۱۷۱).  
<sup>۳</sup>- با سپاس فراوان از سرور فاضل ارجمندم، جناب سهیل یاری گل‌دره، برای راهنمایی نگارنده به دو منبع اخیر.

شاعر معاصر، ابوالفضل (فاضل) نظری، نیز مخاطبش را هنگام تهدید به «صاحب اسم» خود حواله می کند:

فقط به صاحب اسمم سپردمت، زیرا  
که تیرِ آهم را بی اثر نخواهم دید  
(نظری، ۱۳۸۸: ۸۷)

#### ۱-۱- نام شناسی:

نام شناسی (onomastics)، که از شاخه های فرعی زبان شناسی محسوب می شود، علمی است که به بررسی و شناخت نام ها می پردازد. نام شناسان به بررسی جنبه های مختلف نام ها، از جمله جنبه های زبانی، اجتماعی و روانی آن ها توجه دارند (ایمانی، ۱۳۶۳: ۷۶).

#### ۱-۲- دوقلو:

دوقلو (= همزاد، هم شکم، توأمان) به دو فرزندی می گویند که «از یک مادر در یک حاملگی رشد می کنند و به فاصله کوتاهی از هم به دنیا می آیند» (انوری، ۱۳۸۱: ۴/۳۴۱۶). دوقلو واژه ای ترکی است که از «دُق» (ماده فعل دَقَمَاق به معنی زاییدن) و پسوند نسبت «لو» ساخته شده است (نجفی، ۱۳۹۰: ۱۹۶). اما فارسی زبانان، بخش اول این واژه را عدد «دو» فارسی پنداشته و به قیاس (analogy) با آن واژه های «سه قلو»، «چهارقلو» و... را ساخته اند<sup>۱</sup> (نیز بنگرید به حسن دوست، ۱۳۹۳: ۲/۱۳۷۵). البته برخی پژوهشگران این واژه را متشکل از عدد «دو»، تکواژ «قل» (برگرفته از بازی کودکانه «یک قل دو قل») و پسوند تصغیر «و» دانسته اند (بنگرید به نجفی، همان جا).

#### ۱-۳- بیان مسأله:

در این پژوهش نگارنده می کوشد پاسخی برای پرسش های زیر بیابد:

۱- آیا میان نام های دوقلوا تناسب زبانی وجود دارد؟

۲- در صورت مثبت بودن پاسخ پرسش ۱، تناسب های زبانی احتمالی میان نام های

دوقلوا در کدام سطح یا سطوح زبانی بیشتر دیده می شود؟

<sup>۱</sup> - این فرایند واژه سازی را پسین سازی (backformation) می نامند؛ در این باره بنگرید به شقاقی (۱۳۸۹: ۱۰۷).

فرض نگارنده این است که شباهت‌های ظاهری و رفتاری دوقلوها باعث می‌شود که والدین برای آن‌ها نام‌های مشابهی در نظر بگیرند. با فرض وجود تناسب زبانی میان نام‌های دوقلوها، از آن‌جا که نام‌ها از مقوله «واژه» هستند، قاعدتاً باید بتوان تناسب‌های موجود در جامعه نمونه را در سطوح واجی، صرفی (ساختوازی) و معنایی طبقه‌بندی و تحلیل نمود و سپس نتایج به‌دست آمده از سطوح مختلف تحلیل را با یکدیگر مقایسه کرد. نتایج حاصل از این پژوهش احتمالاً به تحلیل‌های جامعه‌شناسان زبان در حوزه نام‌گذاری دوقلوها و همچنین در حوزه گسترده‌تر نام‌گذاری کودکان متولدشده در سال‌های اخیر، یاری خواهد رساند و نیز اهمیت تناسب بلاغی را در نام‌گذاری نشان خواهد داد.

#### ۱-۴- پیشینه پژوهش:

چنین می‌نماید که در زبان فارسی نخستین بار، ایمانی (۱۳۶۳) به معرفی «نام‌شناسی» پرداخته‌است. وی در نوشتار خود به کلیات و مبانی نظری نام‌گذاری می‌پردازد و بیشتر به جنبه‌های جامعه‌شناختی نام‌ها توجه دارد. این پژوهشگر در بخشی از مقاله خود به نام‌هایی که «نمایشگر رابطه کودک و سایر فرزندان خانواده» هستند اشاره و این نام‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کند: ۱- نام‌های نمایشگر رابطه سنی میان فرزندان: صغری و کبری؛ علی اصغر، علی اوسط و علی اکبر ۲- نام‌هایی که شباهت‌هایی از نظر معنا، مصداق یا آوا داشته باشند؛ مانند «سوسن» و «نسرین» که هر دو نام گل هستند و «فتنه» و «فتانه» که در معنا و آوا شباهت دارند (ایمانی، ۱۳۶۳: ۷۷).

برخلاف پژوهش ایمانی (۱۳۶۳) که صرفاً نظری و فاقد داده‌های کاربردی است، مقاله میرخلیل‌زاده ارشادی (۱۳۷۲) به گمان نگارنده نخستین پژوهش زبان‌شناختی جدی و کاربردی در زمینه نام‌گذاری است. وی با بررسی ۳۰۰۰ نام که آن‌ها را از فهرست اسامی قبول‌شدگان آزمون ورودی دانشگاه‌ها در سال ۱۳۶۹ استخراج کرده‌است، به مقایسه تنوع نام‌های مردان و زنان ایرانی از نظر زبانی و منابع نام‌گذاری پرداخته‌است. این پژوهشگر در

بخش پایانی پژوهش خود اشاره‌ای به «رعایت تناسب‌های موضوعی، الفبایی یا آوایی در مورد انتخاب اسامی فرزندان» می‌کند؛ از جمله می‌نویسد:

«۱- در بعضی از خانواده‌ها، انتخاب<sup>۱</sup> اسامی فرزندان از تناسب موضوعی برخوردارند؛ به این معنی که والدین اسامی فرزندان خود را از موضوعاتی مشابه موضوع نام‌های خود یا نام فرزند ارشد خود انتخاب می‌کنند. به عنوان مثال، نام پدر «ابراهیم» [و] نام فرزند «اسماعیل»، یا نام برادران «حسن» و «حسین» یا «علی اصغر» و «علی اکبر» است.

۲- در بعضی از خانواده‌ها، انتخاب اسامی فرزندان از تناسب الفبایی برخوردار است؛ به این معنی که والدین اسم‌هایی را برای فرزندان خود انتخاب می‌کنند که حرف اول آن‌ها با حروف اسامی پدر و مادر یا با حرف اول نام فرزند ارشد، یکی باشد.

۳- در بعضی از خانواده‌ها انتخاب اسامی فرزندان از تناسب آوایی برخوردارند؛ به این معنی که والدین اسم‌هایی را برای فرزندان خود انتخاب می‌کنند که دارای حروف مشابه یا تلفظ‌های متناسب با نام خود یا نام فرزند ارشدشان باشد. در این جا می‌توان به یک نمونه آشنا و شناخته‌شده، یعنی اسامی افراد خانواده هنری «کامکار» اشاره کرد. استاد حسن کامکار ۸ فرزند خود را به ترتیب زیر نام‌گذاری کرده‌است:

۱- هوشنگ ۲- بیژن ۳- پشنگ ۴- قشنگ ۵- ارژنگ ۶- ارسلان ۷- اردشیر ۸- اردوان (میرخلیل‌زاده ارشادی، ۱۳۷۲: ۱۰۷)

از پژوهش‌های دیگری که در زمینه نام‌گذاری انجام شده‌است می‌توان به مقالات عسکری کرمانی (۱۳۸۱)، طیب و علی‌نژاد (۱۳۸۲) و بحرانی (۱۳۸۵) اشاره کرد. اگرچه این پژوهشگران مستقیماً به موضوع مورد نظر ما نپرداخته‌اند، یافته‌های آنان در مواردی برای مقایسه و تطبیق سودمند است.

اما «تناسب» موردعلاقه ادیبان و بلاغیون نیز هست. از این رو می‌توان در کتاب‌های ایشان نیز اشاراتی درباره این موضوع یافت. برای نمونه، راستگو می‌نویسد:

<sup>۱</sup>- واژه «انتخاب» در این جا و موارد مشابه در نوشتار نقل شده از میرخلیل‌زاده ارشادی زاید می‌نماید.

«کاربرد چشمگیر پاره‌ای از گونه‌های واج‌آرایی به‌ویژه هم‌آغازی در فرهنگ عامه و آداب و آیین‌ها و مثل‌ها و مثل‌های مردمی و کوچه‌بازاری نشان می‌دهد که ذهن و زبان و ذوق و ضمیر مردم این شیوه را شیرین می‌شمرد و در آن زیبایی و ظرافتی می‌بیند که سفره نروزی خود را با هفت سین آذین می‌بندد و در نام‌گذاری فرزندان خویش بیشتر نام‌های هم‌آغاز یا هم‌پایان را برمی‌گزیند و مثل‌ها و مثل‌هایی چون «پول و پلو و پارتی» یا «مادر را دل سوزد و دایه را دامن» و ... زبانزد او می‌شود و در پیروسازی‌های عاطفی و اتباعی مانند فک و فامیل، دود و دم، پول و پله، بند و بست و ... از این شیوه بهره می‌گیرد و بازی‌هایی چون بازی «اسم و فامیل» را بر این شگرد بنیاد می‌نهد.» (راستگو، ۱۳۸۲: ۱۹)

خرم‌شاهی (۱۳۸۹: ۷۶۱/۱) نیز در ضمن بحث از واج‌آرایی می‌نویسد:

«یادگار اجتماعی واج‌آرایی... همانا در این است که خانواده‌ها در نام‌گذاری فرزندان خود آن را رعایت می‌کنند (مثل فریدون و فرزاد و فرهاد، یا حمید و حامد و حماد و نظایر آن)».

## ۲- بحث:

برای پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده در بخش ۱-۳، از میان حدود ۱۴۰۰ داده‌ی مربوط به نام‌های دوقلوهای متولد ۱۳۹۲ در استان کرمان که از سازمان ثبت احوال کشور به دست آورده‌ایم، ۲۵۰ جفت (۵۰۰ عدد) داده به صورت تصادفی انتخاب و در سه سطح آوایی، صرفی و معنایی تحلیل شده‌است. همچنین در مرحله‌ی دوم، ۵۰۰ داده تصادفی دیگر برگزیده‌ایم و بدون در نظر گرفتن تناسب زبانی میان آن‌ها کوشیده‌ایم اطلاعاتی زبان‌شناختی درباره‌ی گرایش‌های نام‌گذاری در سال‌های اخیر از آن‌ها استخراج کنیم. این بخش، البته بخش فرعی پژوهش حاضر محسوب می‌شود.

---

<sup>۱</sup> - نگارنده مراتب سپاس خود را به مهندس بهنام سعیدی، معاون فناوری سازمان ثبت احوال استان کرمان، برای در اختیار قرار دادن داده‌های این پژوهش تقدیم می‌دارد.



## ۱-۲- تحلیل داده‌ها (۱): تناسب در نام‌های دوقلوها

در این قسمت از پژوهش، تناسب‌های نام‌های دوقلوها را در سه حوزه واج‌شناسی (phonology)، صرف (morphology) و معنی‌شناسی (semantics) طبقه‌بندی خواهیم کرد. بدیهی است از آن‌جا که نحو (syntax) در سطحی فراتر از واژه عمل می‌کند، تحلیل ما نمی‌تواند این حوزه را در بر بگیرد.

### ۱-۲-۱- تناسب‌های واجی:

در این بخش، تناسب‌های واجی موجود در نام‌های دوقلوها را بررسی خواهیم کرد. بدین منظور داده‌های معرفی شده در بخش ۲ به صورت کمی توصیف شده‌اند. شایان ذکر است که طبقه‌بندی و نام‌گذاری واج‌ها بر پایه ثمره (۱۳۸۸: ۸۰ و ۱۰۲) و واج‌نگاری بر اساس نشانه‌های IPA انجام گرفته است.

### ۱-۲-۱-۱- تناسب در واج آغازی:

جدول زیر نشان‌دهنده واج‌های آغازی مشترک در نام‌های دوقلوهاست.

جدول ۱- جفت‌های دارای واج آغازی یکسان در بین ۲۵۰ جفت داده تصادفی

درصد	بسامد (بر حسب تعداد جفت از ۲۵۰ جفت)	همخوان <sup>۱</sup>	انفجاری
۲	۵	b	
۳/۲	۸	p	
۰/۸	۲	d	
۰/۸	۲	t	
۰	۰	f	
۱/۶	۴	c	
۰	۰	G	
۲۲	۵۵	?	

<sup>۱</sup> - از آنجا که در زبان فارسی هیچ واژه‌ای با واکه آغاز نمی‌شود، واکه‌ها در این جدول آورده نشده‌اند. البته اگر این فرض را نپذیریم، می‌توان درصد واژه‌های آغاز شده با همخوان انسدادی چاکتایی (glottal stop) را معادل درصد واژه‌های آغاز شده با واکه به شمار آورد.

درصد	بسامد (بر حسب تعداد جفت از ۲۵۰ جفت)	همخوان <sup>۱</sup>	
۰	۰	v	سایشی
۲/۸	۷	f	
۱/۶	۴	z	
۶/۴	۱۶	s	
۰	۰	ʒ	
۰/۸	۲	ʃ	
۰	۰	x	
۱/۶	۴	h	
۰	۰	dʒ	انفجاری- سایشی
۰	۰	tʃ	
۱/۲	۳	r	لرزشی
۱۱/۲	۲۸	m	غنه‌ای
۰/۸	۲	n	
۰	۰	l	روان
۲	۵	j	
۵۸/۸	۱۴۷		مجموع

جدول فوق نشان می‌دهد که ۵۸/۸٪ از جفت‌های بررسی‌شده دارای آوای آغازی مشترک بوده‌اند. در این میان، اشتراک در همخوان انسدادی چاکنایی آغازی بیشترین بسامد را دارد. به نمونه‌هایی از جفت‌های مشترک در انسدادی چاکنایی آغازی توجه نمایید:

- آریا- آرین؛ ایلیا- ارشیا؛ آرتین- آبتین؛ ایلیا- الناز؛ آرش- آرمین؛ امیرعلی- امیررضا؛ احمدرضا- عبدالمهدی؛ ابوالفضل- الناز؛ علی- ابوالفضل؛ ایلیا- علی
- پس از /p/ واج /m/ بیشترین بسامد را دارد؛ به مثال‌های زیر بنگرید:
- مهدی- مانیا؛ محمدحسین- محمدصالح؛ مهرداد- مهرزاد؛ محیا- مهتاب؛ مینو- مینا
- واج /s/ نیز از نظر بسامد وقوع پس از /m/ قرار می‌گیرد. اینک نمونه‌هایی از جفت‌های دارای /s/ آغازی مشترک:
- سوگند- سبحان؛ سنا- ستایش؛ ثنا- سارا

۲-۱-۱-۲- تناسب در واج پایانی:

جدول زیر آمار دوقلوهای دارای واج پایانی یکسان را نشان می دهد:

جدول ۲- جفت های دارای واج پایانی یکسان در بین ۲۵۰ جفت داده تصادفی

درصد	بسامد (بر حسب تعداد جفت از ۲۵۰ جفت)	واج		
۰	۰	a	پیشین	واکه ها
۴	۱۰	e		
۰/۸	۲	i		
۱۶/۴	۴۱	a	پسین	واکه ها
۰	۰	o		
۰	۰	u		
۰	۰	b	انفجاری	همخوان ها
۰	۰	p		
۱/۶	۴	d		
۰/۴	۱	t		
۰	۰	J		
۰	۰	c		
۰	۰	G		
۰	۰	?	سایشی	همخوان ها
۰	۰	v		
۰	۰	f		
۰/۴	۱	z		
۰	۰	s		
۰	۰	ʒ		
۰/۸	۲	ʃ		
۰	۰	x		
۰	۰	h		

درصد	بسامد (بر حسب تعداد جفت از ۲۵۰ جفت)	واج		
۰	۰	dʒ	انفجاری- سایشی	
۰	۰	tʃ		
۰/۸	۲	r	لرزشی	
۰/۴	۱	m	غنه‌ای	
۷/۲	۱۸	n		
۰/۸	۲	l	روان	
۰	۰	j		
۳۳/۶	۹۶	مجموع		

در مجموع ۳۳/۶٪ از دوقلوهای بررسی شده دارای تناسب در واج پایانی هستند که در این میان، تناسب واکه پایانی /a/ بیشترین بسامد را دارد؛ یعنی در داده‌های پژوهش حاضر، بیشترین جفت‌هایی که دارای تناسب پایانی بوده‌اند، نام‌هایشان به واکه /a/ ختم می‌شود. نمونه‌ای از این داده‌ها را در زیر می‌بینیم:

بشری [= بشر] - زهرا؛ دینا - دینا؛ ایلیا - ارشیا؛ طاها - رها؛ ایلیا - النا؛ الینا - سارینا؛ آوا - رها؛ ثنا - سارا؛ سالینا - سامینا؛ عبدالرضا - محمدرضا

پس از واکه /a/، همخوان /n/ بیشترین بسامد را در پایان دارد که نمونه‌هایی از آن را در جفت‌های زیر می‌بینیم:

همایون - هومن؛ آرتین - آبتین؛ محمدحسن - محمدحسین؛ فرزین - فردین؛ محمدمعین - محمدحسین

واکه /e/ نیز از نظر بسامد در رتبه سوم قرار می‌گیرد. اینک نمونه‌ای از جفت‌های مختوم به این واکه:

حنانه - ریحانه؛ فائزه - فاطمه؛ حانیه - حنانه

### ۲-۱-۳- تناسب در تعداد هجاها:

از میان ۲۵۰ جفت داده بررسی شده، ۱۱۰ جفت، یعنی ۴۴٪، دارای تعداد هجاهای یکسان بودند. جدول زیر یکسانی تعداد هجاها را در واژه‌های جفت‌های مختلف نشان می‌دهد:

جدول ۳- بسامد جفت‌های یک تا شش هجایی در میان ۲۵۰ جفت داده تصادفی

نوع واژه‌های هر جفت	مثال	بسامد (بر حسب جفت از ۲۵۰ جفت)	درصد
یک هجایی	* رز-سام <sup>۱</sup>	۰	۰
دو هجایی	آرش - آوا	۵۰	۲۰
سه هجایی	ترنم - تبسم	۳۶	۱۴/۴
چهار هجایی	امیرعلی - امیررضا	۱۰	۴
پنج هجایی	فاطمه زهرا - امیرمحمد	۱۴	۵/۶
شش هجایی	* یاسمین فاطمه - نازنین رقیه <sup>۲</sup>	۰	۰
مجموع		۱۱۰	۴۴

اما تناسب‌های آوایی دوقلوها تنها به یکسانی واج آغازی یا پایانی، و یا یکسانی تعداد هجاها محدود نمی‌شود. بلکه نمونه‌های هنری تری از این تناسب نیز وجود دارد که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود.

### ۲-۱-۴- نمونه‌های بلاغی تناسب واجی:

در این جا منظور از نمونه‌های بلاغی، جفت‌هایی است که از نظر بلاغت سنتی با یکدیگر جناس<sup>۳</sup> می‌سازند و از نظر زبان‌شناختی عمدتاً تشکیل جفت کمینه (minimal pair) می‌دهند.

<sup>۱</sup>- نشانه \* بر صورت فرضی‌ای دلالت می‌کند که در داده‌های بررسی شده وجود ندارد. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، در زبان فارسی نام‌های یک هجایی مانند «رُز» و «سام» بسیار اندک‌اند. در میان نام‌های خانوادگی نیز واژه‌های یک هجایی اندکی می‌توان یافت (از جمله «جم» و «راده»).

<sup>۲</sup>- ناگفته نماند که گرایش به ترکیبی شدن نام‌ها، تعداد هجاهای نام‌ها را نیز افزایش می‌دهد.

الف) یکسانی همه واج‌ها و اختلاف در ماهیت تنها یک واج (بدون تغییر الگوی هجایی): واژه‌های این گروه از نظر بلاغی با یک‌دیگر جناس اختلافی می‌سازند.

- اختلاف در واج (همخوان) آغازی:

نیما - شیما؛ هیلدا سادات - گیلدا سادات

- اختلاف در واج (واکه یا همخوان) میانی:

اردلان - ارسلان؛ ارمیا<sup>۴</sup> - ارشیا؛ النا - الینا؛ آبتین - آرتین؛ آرمین - آرتین؛ آرمین - آرمان؛

آرمین - آروین؛ بهداد - بهراد؛ پوریا - پریا؛ ثنا - صبا؛ ثنا - سینا؛ ثنا سادات - سما(ء)

سادات<sup>۵</sup> رادن - رادین؛ روزین - روزان؛ ساسان - سامان؛ سالینا - سامینا؛ سنا - سما(ء)؛

شیوا - شیما؛ صاینا - صایما؛ فرزین - فردین؛ ناعمه - نائله<sup>۶</sup>؛ نیما - نیکا؛ یسنا - یسرا.

- اختلاف در واج پایانی:

آراد - آران؛ باراد - باران؛ مینا - مینو

ب) اختلاف در تعداد واج‌ها (یکی از نام‌ها یک واج اضافه بر دیگری دارد. بلاغیون چنین

جفت‌هایی را دارای جناس/افزایشی می‌دانند):

واج افزوده در پایان قرار دارد:

- واج افزوده شده واکه /a/ است و در نتیجه یک هجا به واژه افزوده می‌شود و الگوی

هجایی نیز تغییر می‌کند (فرایند هجاسازی مجدد (resyllabification)):

آرمین /ʔar.min/ - آرمینا /ʔar.mi.na/

<sup>۱</sup>- در این مقاله، از نام‌گذاری انواع جناس چشم پوشیده و به دو اصطلاح معمول «جناس اختلافی» و «جناس افزایشی» بسنده کرده‌ایم.<sup>۳</sup>

<sup>۲</sup>- «ارمیا» در فرهنگ نام سخن (انصاری و شرکت‌افتخار، ۱۳۸۴: ۲۴) به دو صورت /ʔarmija/ و /ʔermija/ ضبط شده است. ما در این جا تلفظ اول را لحاظ کرده‌ایم.

<sup>۳</sup>- از آن جا که ملاک ما در این جا تنها تناسب آوایی است، تفاوت املائی «ث» و «ص» را نادیده گرفته‌ایم.

<sup>۴</sup>- از آن جا که ملاک ما در این جا تنها تناسب آوایی است، تفاوت املائی «ث» و «س» را نادیده گرفته‌ایم.

<sup>۵</sup>- مانند موارد قبل، تفاوت املائی «ث» و «س» را در نظر نگرفته‌ایم. همچنین همزه پایانی در فارسی امروز تلفظ نمی‌شود.

<sup>۶</sup>- همزه پایانی در فارسی امروز تلفظ نمی‌شود.

<sup>۷</sup>- از آن جا که ملاک ما در این جا تنها تناسب آوایی است، تفاوت املائی «ع» و «ه» را نادیده گرفته‌ایم.

کیان /ci.jan/ - کیانا /ci.ja.na/

- واج افزوده شده همخوان است و تغییری در تعداد هجاهای واژه رخ نمی دهد:

کیا /ci.ja/ - کیان /ci.jan/

واج افزوده شده در میانه واژه قرار دارد و در نتیجه الگوی هجایی دو واژه (و نه تعداد هجاها) با هم تفاوت دارد:

مهراد /meh.rad/ - مهرزاد /mehr.zad/

پریا /pa.ri.ja/ - پرینیا /par.ni.ja/

مهرانا /meh.ra.na/ - مهرسانا /mehr.sa.na/

- اختلاف در تعداد هجاها (یکی از نامها یک هجای میانی بیش از دیگری دارد):

دینا - دیانا /di.[ja.]na/

پویا - پوریا /pu.[ri.]ja/

#### ۲-۱-۲- تناسبات صرفی (ساختواژی):

منظور از تناسبات صرفی، تناسباتی است که تحلیل آنها در حوزه صرف (ساختواژه) قرار می گیرد. یکی از دغدغه‌های مهم ساختواژه بررسی ساختمان واژه‌هاست و توجه ما نیز معطوف به همین بخش است.

#### ۲-۱-۲-۱- اشتراک در جزء (تکواژ آزاد) آغازی:

در زیر نمونه‌هایی از تناسبات در تکواژ آزاد آغازی را در کلمات مشتق و مرکب مشاهده می کنید:

ساختمان واژه	نمونه	جزء مشترک
مرکب	بهراد - بهنام	به
	بهراد - بهنام	به
مشتق	مهدیس - مهسا	مه

\* توضیح: تفاوت واژه‌های «مرکب» این گروه با گروه ۲ - که در زیر می‌آید - در این است که در گروه ۲ هر یک از نام‌های ترکیبی به‌تنهایی برای نام‌گذاری به کار می‌رود (مثلاً در نام ترکیبی «محمدحسین» هم «محمد» و هم «حسین» به‌تنهایی به کار می‌رود) اما در گروه ۱ اجزای «به» و «نام» با این که تکواژ آزاد هستند و به‌تنهایی در زبان به کار می‌روند، هیچ‌یک به‌تنهایی برای نام‌گذاری افراد کاربرد ندارد. در واقع، واژه‌های مرکبی مانند «بهنام» و «بهزاد» از نوع برون مرکز (exocentric) هستند، اما نام‌های «ترکیبی» ای مانند «محمدحسین» از نوع دوسویه یا بدل (appositive) (برای طبقه‌بندی انواع واژه‌های مرکب از نظر معنایی، بنگرید به شقاقی، ۱۳۸۹: ۱۲۳ و ۱۲۴).

#### ۲-۱-۲-۲- اشتراک بخش اول در نام‌های ترکیبی:

\* الگوی تناسب: الف ب - الف ج

نمونه‌ها:

امیرطاها - امیر مهدی؛ امیرعباس - امیرمحمد؛ امیرعلی - امیررضا؛ امیرهاشم - امیرحافظ؛  
محمدپوریا - محمدپارسا؛ محمدمعین - محمدامین؛ یاسمین زهرا - یاسمین فاطمه

#### ۲-۱-۲-۳- اشتراک بخش دوم در نام‌های ترکیبی:

\* الگوی تناسب: ب الف - ج الف

نمونه‌ها:

علی‌رضا - عمادرضا؛ علی‌رضا - احمدرضا؛ فاطمه زهرا - نازنین زهرا؛ یاسمین زهرا - نازنین  
زهرا

#### ۲-۱-۲-۴- اشتراک بخش اول یک نام ترکیبی با بخش دوم نام ترکیبی دیگر:

\* الگوی تناسب: الف ب - ج الف

نمونه:

محمد مهدی - امیرمحمد



۲-۱-۲-۵- اشتراک در ترکیبی بودن:

\* الگوی تناسب: الف ب - ج د

نمونه‌ها:

امیر عرشیا- محمدایلیا؛ امیر علی- محمد حسین؛ امیر مهدی- نازنین رقیه؛ حمیدرضا- فاطمه زهرا؛ علی اصغر- امیر محمد؛ فاطمه زهرا- محمد جواد؛ نازنین زهرا- امیر حسین؛ نازنین زینب- امیر حسین؛ نازنین فاطمه- یاسمین زهرا؛ یاسمین زهرا- امیر عباس.

ممکن است میان بخش اول یا بخش دوم هر یک از نام‌های ترکیبی بالا (یا بر اساس آنچه در الگوی تناسب آورده‌ایم، میان «الف» و «ج» و/یا «ب» و «د») تناسب‌های آوایی یا معنایی یافت شود؛ مثلاً در جفت «نازنین فاطمه - یاسمین زهرا»، «نازنین» و «یاسمین» تناسب آوایی و «فاطمه» و «زهرا» تناسب معنایی دارند.

چنان‌که از جدول ۴ برمی‌آید، ۲۳/۶٪ از داده‌های این پژوهش از نظر ترکیبی بودن تناسب دارند. در جدول زیر اطلاعات بیشتری در این زمینه عرضه شده‌است:

جدول ۴- بسامد تناسب در ساختمان واژه در ۲۵۰ جفت داده تصادفی

نوع واژه‌های هر جفت از نظر ساختمان	مثال	بسامد (بر حسب جفت داده از ۲۵۰ جفت)	درصد
ساده	علی - محمد	۱۳۴	۵۳/۶٪
مشتق	مهسا - مهدیس	۲	۰/۸٪
مرکب/ ترکیبی	امیر علی - امیر رضا	۵۹	۲۳/۶٪
مجموع		۱۹۵	۷۸٪

جدول فوق نشان می‌دهد که در ۷۸٪ از داده‌های ما، از نظر ساختمان واژه میان نام دو قلوبها تناسب وجود دارد.

۲-۱-۲-۶- ساخت نام جفت مؤنث با افزودن پسوند تأنیث به نام جفت مذکر:

- افزودن پسوند تأنیث /e/ : مهدی - مهدیه

- افزودن پسوند تأنیث /a/: آرمین - آرمینا؛ کیان - کیانا

### ۲-۱-۳- تناسب‌های معنایی:

تناسب‌های معنایی نام‌های دوقلوها را می‌توان در دو دسته کلی مذهبی و غیرمذهبی جای داد<sup>۱</sup>. تناسب‌های غیرمذهبی خود قابل طبقه‌بندی به دو زیر مجموعه تناسب‌های طبیعی و تناسب‌های فرهنگی هستند. جدول ۵ بسامد هر یک از این تناسب‌ها را نشان می‌دهد:

جدول ۵- تناسب‌های معنایی در ۲۵۰ جفت داده تصادفی

درصد	بسامد	نوع تناسب
۴۴/۸٪	۱۱۲	تناسب‌های مذهبی
۶٪	۱۵	تناسب‌های غیرمذهبی طبیعی
۱۵/۶٪	۳۹	تناسب‌های غیرمذهبی فرهنگی
۶۶/۴٪	۱۶۶	مجموع

اکنون به بیان نمونه‌هایی از هر دسته می‌پردازیم:

### ۲-۱-۳-۱- تناسب‌های مذهبی:

در این تناسب‌ها حوزه یا مؤلفه معنایی<sup>۲</sup> مشترک بین دو نام، حول محور مذهب (اسلام)

(اسلام) می‌چرخد:

نام‌ها	حوزه یا مؤلفه معنایی مشترک
محمد - مصطفی	[+ نام/ لقب پیامبر اسلام]
علی - مرتضی	[+ نام/ لقب امام اول شیعیان]
فاطمه - زهرا	[+ نام/ لقب دختر پیامبر اسلام]

۱- بحرانی (۱۳۸۵) طبقه‌بندی جزئی تری از «مقوله‌های نام‌گذاری» دارد. طبقه‌بندی نگارنده، به فراخور داده‌ها و هدف پژوهش حاضر، کلی‌تر است.<sup>۱</sup>

۲- برای اطلاع از اصطلاحات حوزه‌های معنایی (semantic fields) و مؤلفه‌های معنایی (semantic components) بنگرید به صفوی (۱۳۸۷: ۱۹۱-۱۸۹ و ۲۸۰-۲۷۷).

نام‌ها	حوزه یا مؤلفه معنایی مشترک
فاطمه - کوثر	[+ نام/ لقب دختر پیامبر اسلام]
زهرآ - کوثر	[+ نام/ لقب دختر پیامبر اسلام]
حسن - حسین	[+ نام فرزند امام اول شیعیان]
حسین - ابوالفضل	[+ نام فرزند امام اول شیعیان]
حسین - زینب	[+ نام فرزند امام اول شیعیان]
علی اکبر - علی اصغر	[+ نام فرزند امام سوم شیعیان]
بنیامین - یوسف	[+ نام فرزند یعقوب پیامبر]
طاها - ضحّا	[+ نام سوره‌ای از قرآن]

### ۲-۱-۳-۲- تناسبات غیر مذهبی:

در این تناسبات چنان که از نامشان برمی آید، محور تناسب چیزی جز مذهب است. به گمان نگارنده می توان تناسبات غیر مذهبی را به دو دسته تقسیم کرد:

#### الف) تناسبات طبیعی:

در این تناسبات، که بیشتر در نام گذاری دختران دیده می شود، عناصر نام‌ها برگرفته از طبیعت و جهان هستی است، مانند نمونه‌های زیر:

نام‌ها	حوزه یا مؤلفه معنایی مشترک
شقایق - شکوفه؛ مینا - مریم؛ لاله - لادن <sup>۱</sup>	[+ گل و گیاه]
ساحل - صدف	[+ دریا]
سپهر - سهیل	[+ آسمان]
مه‌دیس - مهسا	[+ ماه]

#### ب) تناسبات فرهنگی:

<sup>۱</sup> - تناسب دیگری نیز میان این دو واژه وجود دارد که نباید از نظر دور داشت: لاله و لادن نام دو قلوهای به هم چسبیده معروف ایرانی است.

در این تناسب‌ها، بنیاد بر شباهت‌های تاریخی و اسطوره‌ای است. نام‌های این گروه دوقلوها عمدتاً از شخصیت‌ها و مفاهیم تاریخی-اسطوره‌ای ایران برگرفته شده است: آریا-آرین؛ یزدان-یسنا؛ سوگند-یسنا؛ ساسان-سامان

## ۲-۲-۲- برخی گرایش‌های زبان‌شناختی در نام‌گذاری

در این بخش به جای گزینش داده‌ها به صورت جفت، ۵۰۰ داده منفرد را تحلیل کرده و به نتایج درباره گرایش‌های زبان‌شناختی نام‌گذاری در سال‌های اخیر دست خواهیم یافت. از آن‌جا که داده‌ها تصادفی و منفرد هستند، شاید بتوان نتایج را تا حدودی تعمیم داد.

### ۲-۲-۱- گرایش‌های واجی:

درباره گرایش‌های واجی می‌توان به کمک جدول ۶ به نتایج زیر دست یافت:

جدول ۶- واج پایانی در ۵۰۰ داده تصادفی

درصد	پسامد	واج		
۰	۰	a	پیشین	واکه‌ها
۱۴/۴	۷۲	e		
۱۰	۵۰	i		
۳۰/۶	۱۵۳	a	پسین	
۰	۰	o		
۰/۲	۱	u		
۱/۲	۶	b	انفجاری	همخوان‌ها
۰	۰	p		
۹/۶	۴۸	d		
۰/۴	۲	t		
۰	۰	f		
۰/۲	۱	c		
۰/۴	۲	G		

درصد	بسامد	واج		
۰	۰	ʔ	سایشی	
۰	۰	v		
۰/۴	۲	f		
۱/۸	۹	z		
۱/۶	۸	s		
۰	۰	ʒ		
۲	۱۰	ʃ		
۰	۰	x		
۰/۶	۳	h		
۰/۲	۱	dʒ		
۰	۰	tʃ	سایشی	
۳/۴	۱۷	r	لرزشی	
۲/۲	۱۱	m	غنه‌ای	
۱۵/۶	۷۸	n		
۵/۲	۲۶	l	روان	
۰	۰	j		

چنان‌که ملاحظه می‌شود، واج‌های /a/، /n/ و /e/ به ترتیب بیشترین بسامد را در داده‌های ما دارند.

جدول ۷ بسامد واج‌های آغازی داده‌ها را نشان می‌دهد:

جدول ۷- واج آغازی در ۵۰۰ داده تصادفی

درصد	بسامد	همخوان	
۲/۶	۱۳	b	انفجاری
۳/۲	۱۶	p	
۱/۴	۷	d	
۱/۴	۷	t	
۰	۰	ʃ	
۲/۲	۱۱	c	
۰/۶	۳	G	

همخوان	بسامد	درصد
ʔ	۱۶۷	۳۳/۴
v	۱	۰/۲
f	۵۲	۱۰/۴
z	۱۹	۳/۸
s	۴۲	۸/۴
ʒ	۰	۰
ʃ	۴	۰/۸
x	۰	۰
h	۲۰	۴
dʒ	۰	۰
tʃ	۰	۰
r	۱۷	۳/۴
m	۸۴	۱۶/۸
n	۱۶	۳/۲
l	۰	۰
j	۲۱	۴/۲

چنان‌که ملاحظه می‌شود، بیشترین نام‌های بررسی‌شده با انسدادی چاکنایی آغاز می‌شوند. پس از این واج، واج‌های /m/، /f/ و /s/ بیشترین بسامد وقوع را در پایان نام‌های بررسی‌شده دارند.

بسامد تعداد واژه‌های یک تا شش هجایی در جدول ۸ نشان داده شده است:

جدول ۸- بسامد واژه‌های یک تا شش هجایی در میان ۵۰۰ داده تصادفی

نوع واژه	بسامد	درصد
یک هجایی	۰	۰
دو هجایی	۲۰۵	۴۱
سه هجایی	۱۷۰	۳۴
چهار هجایی	۵۰	۱۰
پنج هجایی	۶۵	۱۳

شش هجایی	۱۰	۲
----------	----	---

خانلری (۱۳۸۶: ۱۷۹ و ۱۸۰) می‌نویسد: «زبان فارسی، زبان کلمات کوتاه است. بر حسب استقرائی که من کرده‌ام... اکثر کلمات فارسی از یک هجایی تا سه هجایی است و کلمه درازتر از این بسیار کم است». ایمانی (۱۳۶۳: ۸۳) نیز معتقد است که «ایرانیان بیشتر تمایل به نام‌هایی با ساخت‌های هجایی نسبتاً کوتاه دارند، یعنی ساخت‌های ۲ تا ۴ هجایی». وی کاربرد اندک نام‌های یک هجایی را این گونه توجیه می‌کند: «ساخت‌های یک هجایی به علت دربرداشتن تعداد واژه‌های معدودی که مناسب برای نامگذاری باشد، و نیز احتمالاً به علت عدم وجود یک سنت عام استفاده از نام‌های بسیار کوتاه، به گونه‌ای ایجاد ناخوش آوایی می‌کند» (همان‌جا).

البته گفتنی است که اخیراً با گرایش به نام‌های ترکیبی، قاعدتاً تعداد هجاهای نام‌ها نیز افزایش یافته است. اما باید توجه داشت که نام‌هایی طولانی‌ای مانند «نازنین فاطمه» در هنگام خطاب کمتر به کار می‌روند و ممکن است برای خطاب به کودک تنها از «فاطمه» یا «نازنین» استفاده شود. از این رو منافاتی با اصل کم‌کوشی نخواهد داشت. در واقع، والدین با انتخاب چنین نام‌هایی در شناسنامه و کوتاه‌سازی آن‌ها در هنگام خطاب، عملاً هم اصل کم‌کوشی زبانی را در گفتار رعایت می‌کنند و هم فردیت کودک را حفظ می‌کنند.

## ۲-۲-۲- گرایش‌های صرفی (ساختواژی):

جدول ۹- بسامد انواع واژه در ۵۰۰ داده تصافی

نوع واژه از نظر ساختمان	بسامد	درصد
ساده	۳۲۰	٪۶۴
مشتق	۲۴	٪۴/۸
مرکب	۱۵۶	٪۳۱/۲





بسامد	نام ترکیبی	
۵	امیر مهدی	
۴	امیر رضا	
۲	امیر حسن	
۲	امیر طاها	
۱	امیر حافظ	
۱	امیر هاشم	
۱	امیر ارسلان	
۱	امیر عرشیا	
۱	امیر کیان	
۶	محمد حسین	
۶	محمد مهدی	
۵	محمد جواد	
۳	محمد طاها	
۲	محمد صالح	
۲	محمد امین	
۲	محمد معین	
۱	محمد علی	
۱	محمد حسن	
۱	محمد رضا	
۱	محمد صابر	
۱	محمد صدرا	
۱	محمد ایلینا	
۱	محمد آریا	
۱	محمد پارسا	
۱	محمد پوریا	
۱	محمد یزدان	
۵	علی اصغر	علی (۷ نام ترکیبی)
۱	علی اکبر	
۱	علی رضا	
۱	احمد رضا	احمد (۱ نام ترکیبی)
۱	حمید رضا	حمید (۱ نام ترکیبی)

بسامد	نام ترکیبی	
۱	عمادرضا	عماد (۱ نام ترکیبی)

جدول ۱۰- بخش آغازی نام‌های ترکیبی دختران در ۵۰۰ جفت داده تصادفی

بسامد	نام ترکیبی	
۱۰	فاطمه زهرا	فاطمه (۱۳ نام ترکیبی)
۱	فاطمه ثنا	
۱	فاطمه درسا	
۱	فاطمه حسنا	
۵	نازنین زهرا	نازنین (۹ نام ترکیبی)
۲	نازنین فاطمه	
۱	نازنین زینب	
۱	نازنین رقیه	یاسمین (۳ نام ترکیبی)
۲	یاسمین زهرا	
۱	یاسمین فاطمه	یاسمن (۱ نام ترکیبی)
۱	یاسمن زهرا	

چنان‌که از دو جدول فوق برمی‌آید، مجموع نام‌های ترکیبی پسران در داده‌های ما ۱۰۸ مورد است، در حالی‌که این رقم برای دختران ۲۶ مورد مشاهده شده است. مقایسه جفت‌های زیر می‌تواند این تفاوت را بهتر نشان دهد. در این دوقلوها نام جفت مؤنث، ساده و نام جفت مذکر، ترکیبی است:

فاطمه - امیررضا؛ هانیه - امیرعلی؛ فاطمه - محمد مهدی؛ زهرا - امیرمحمد؛ الناز -

محمد مهدی؛ فاطمه - محمدجواد؛ ریحانه - امیرعلی؛ فاطمه - محمدآریا

بر اساس چنین داده‌هایی می‌توان حدس زد که تناسب در جفت‌های ناهمجنس (پسر - دختر) احتمالاً کمتر از جفت‌های همجنس (پسر - پسر یا دختر - دختر) است. درباره نام‌های ترکیبی در بخش ۳-۲-۱ نیز بحث خواهیم کرد.

### ۲-۲-۳- گرایش‌های معنایی:

چنان‌که پیشتر نیز اشاره شد، منابع نام‌گذاری را از لحاظ معنایی می‌توان به دو حوزه اصلی طبقه‌بندی کرد:

۲-۲-۳-۱- منابع مذهبی:

در این دسته نام‌ها معمولاً به یکی از مقوله‌های زیر تعلق دارند:

الف) نام‌ها و القاب پیشوایان دین اسلام: محمد، علی، فاطمه، زهرا، حسن، حسین و...

ب) نام پیامبران: یحیی، صالح، اسماعیل، یوسف و...

ج) نام سوره‌های قرآن: طاه، یاسین، اسراء، کوثر، مائده، ضحاک

د) اصطلاحات قرآنی: بشری، میعاد، میثاق، محیا، و...

- گاه ممکن است یک نام در بیش از یکی از مقوله‌های بالا قرار گیرد. مثلاً نام «محمد» در هر سه مقوله قرار می‌گیرد.

### ۲-۲-۳-۲- منابع غیر مذهبی:

پیرو آنچه پیشتر نوشته شد، این منابع را می‌توان به دو حوزه طبقه‌بندی کرد:

الف) منابع طبیعی (معمولاً برای نام‌گذاری دختران):

- ساحل، صدف، شقایق، شکوفه، غزاله، عسل، غزل، هستی، کیهان، نسیم، بهار، مهتاب

ب) منابع فرهنگی:

- اساطیری: آبتین، آرش، آناهیتا، ناهید، سوشیان

- تاریخی: کسرا، بابک، باربد، ساسان، بردیا، مهرداد

البته ممکن است بتوان مقوله‌های دیگری نیز به گرایش‌های معنایی افزود.

### ۳- نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری این پژوهش نیز مانند تحلیل داده‌ها در دو بخش عرضه خواهد شد. در بخش نخست و اصلی، به نتیجه‌گیری درباره‌ی تناسب‌های معنایی در دوقلوها می‌پردازیم و در بخش دوم و فرعی‌تر به نکاتی درباره‌ی گرایش‌های زبان‌شناختی در نام‌گذاری فرزندان (بدون در نظر گرفتن دوقلو بودن آنها).

### ۳-۱- تناسب‌های زبانی در نام‌گذاری دوقلوها:

درباره تناسب‌های واجی با بهره‌گیری از جدول‌های ۱، ۲ و ۳ می‌توان نتیجه گرفت که در نام‌گذاری دوقلوها، یکسانی واج آغازی - که در ۵۸/۸٪ از داده‌ها مشاهده می‌شود - نسبت به یکسانی تعداد هجاها (که در ۴۴٪ از داده‌های بررسی شده وجود دارد) و یکسانی واج پایانی (که در ۳۳/۶٪ از داده‌ها دیده می‌شود) از اهمیت بیشتری برخوردار است. همچنین بیشترین تناسب‌های بلاغی نام‌های دوقلوها در حوزه واجی، از مقوله تفاوت در ماهیت یک واج و به‌ویژه اختلاف در یک واج میانی است. از جدول ۴ می‌توان نتیجه گرفت که بیشترین تناسب‌های صرفی نام‌های دوقلوها حول محور نام‌های «ترکیبی» می‌چرخد. همچنین تناسب‌های معنایی بیشتر بر اساس تناسب‌های مذهبی است (بنگرید به جدول ۵).

چنان‌که در بخش ۲-۲-۲-۲ نیز اشاره شد، به نظر می‌رسد تناسب نام‌های دوقلوهایی هم‌جنس (پسر- پسر یا دختر- دختر) بیش از دوقلوهایی ناهم‌جنس (پسر- دختر) است. در نام برخی دوقلوها در وهله اول هیچ تناسبی به نظر نمی‌رسد؛ مثلاً جفت «ناهید - ایوب» (ناهید فارسی است و ایوب عبری. ناهید برگرفته از اساطیر ایرانی است و ایوب ریشه مذهبی دارد. در واج‌های آغازی و پایانی این دو واژه نیز هیچ تناسبی مشاهده نمی‌شود. تناسب معنایی خاصی نیز بین آن‌ها وجود ندارد). اما به هر حال می‌توان میان آن‌ها تناسب‌هایی یافت؛ برای نمونه ساده بودن هر دو واژه (صرفی) و دوهجایی بودن آن‌ها (آوایی).

از سوی دیگر در برخی جفت‌ها تناسب‌های چندگانه وجود دارد. برای نمونه می‌توان به جفت «مهسا- مهدیس» اشاره و تناسب‌های زبانی اجزای آن را این‌گونه فهرست کرد: تناسب‌های آوایی شامل یکسانی واج آغازی و یکسانی تعداد هجاها، تناسب‌های صرفی شامل یکسانی ساختمان واژه (هر دو مشتق‌اند)، یکسانی بخش اول (تکواژ آزاد «مه») و مشابهت پسوند (هر دو پسوند «-سا» و «-دیس» دلالت بر شباهت دارند)، و در نهایت تناسب معنایی (هر دو واژه به معنای «مانند ماه» هستند).

مثالی دیگر از تناسب‌های چندگانه، جفت «یاسمن زهرا- یاسمین فاطمه» است. در این جفت نیز در سطوح زبانی مختلف می‌توان تناسب‌هایی یافت. از نظر واجی، واج آغازی این دو نام یکسان است. از دیدگاه صرفی، هر دو نام، ترکیبی‌اند و از دیدگاه معنایی بخش اول هر دو، نام گلی واحد است و بخش دوم، برگرفته از تناسب‌های مذهبی، همچنین مصداق «فاطمه» و «زهرا» یکی است و هر دو به «دختر پیامبر اسلام» دلالت دارند.

### ۳-۲- تکاتی درباره گرایش‌های نام‌گذاری:

۳-۲-۱- طیب و علی‌نژاد (۱۳۸۲: ۵۷) اشاره می‌کنند که نام‌های پسران گرایش به ترکیبی شدن دارد. این گرایش در داده‌های ما نیز به خوبی دیده می‌شود. اما از سویی دیگر، در داده‌های ایشان جز «فاطمه زهرا» نام ترکیبی دیگری برای دختران مشاهده نشده است (همان: ۴۱) در حالی که در داده‌های ما افزون بر «فاطمه زهرا» نام‌های ترکیبی دیگری چون «نازنین زهرا»، «نازنین زینب»، «یاسمین زهرا»، «یاسمین فاطمه»، «فاطمه ثنا»، «فاطمه درسا»، «فاطمه حسنا» و... نیز دیده می‌شود و این نشان می‌دهد که گرایش به ترکیبی شدن نام‌های دختران رو به افزایش است. از آنجا که عسکری کرمانی (۱۳۸۱) بین نام‌های مرکبی چون «مریم‌سادات» و نام‌های ترکیبی‌ای چون «فاطمه زهرا» تمایز قائل نشده و آمار هر دو گروه را ذیل «نام‌های مرکب» به دست داده است، آمار وی برای مقایسه کارآمد نیست ولی از فهرست نام‌های مرکبی که برای دختران به دست داده می‌توان دریافت که نام‌های «ترکیبی» موردنظر ما در داده‌های وی بسیار اندک و محدود به نام‌های نادری چون «معصومه‌بهاره» است. از این رو داده‌های وی نیز تلویحاً افزایش نام‌های ترکیبی برای دختران در سال‌های اخیر را تأیید می‌کند.

۳-۲-۲- طیب و علی‌نژاد (۱۳۸۲: ۵۳ و ۵۴) به فردگرایی در نام‌گذاری اشاره می‌کنند. در داده‌های ما نیز این گرایش به خوبی آشکار است. انتخاب نام‌هایی چون «آوش»، «آویشا»، روسانا، رونیا» و... (که هیچ‌یک در فرهنگ نام سخن ثبت نشده‌اند و ظاهراً جدید هستند) جز فردگرایی چه دلیلی می‌تواند داشته باشد؟

۳-۲-۳- خوش‌آوایی نام، گاه والدین را از توجه به معنای آن غافل می‌سازد (دربارهٔ مزایا و معایب توجه افراطی به تناسب‌های آوایی کلمات، یا آنچه «جادوی مجاورت» نامیده شده است، بنگرید به شفیعی کدکنی، ۱۳۷۷: سراسر مقاله)؛ برای نمونه واژهٔ «مانیا» ظاهراً به معنای «دیوانگی و جنون» است (انصاری و شرکت افتخار، ۱۳۸۴: ۲۲۵)<sup>۱</sup> ولی خوش‌آوایی آن باعث شده است که سه بار در پیکرهٔ مورد استفادهٔ ما به کار رود.

### ۳-۳- پیشنهادها:

- با داده‌هایی که در اختیار داریم، در آینده دست کم می‌توان به این موارد پرداخت:
- الف) تحلیل نام‌های دوقلوها بر اساس ریشهٔ نام‌های ایشان (فارسی، عربی، ترکی و...)
- ب) مقایسهٔ نام‌های دوقلوها با نام پدران آن‌ها
- ج) بررسی آماری بسامد نام‌های مختلف و گردآوری نام‌های جدید و نادر
- د) بررسی تناسب در نام‌های دوقلوها به تفکیک جنسیت
- ه) مقایسهٔ داده‌های کنونی با داده‌هایی از سال‌ها و استان‌های دیگر.

---

- صادقی (۱۳۷۱: ۲۶) «مانیا» را مشتق از «مانی» و پسوند تأنیث «L» می‌داند.<sup>۱</sup>

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آشوری، داریوش. (۱۳۹۲). شعر و اندیشه. ویرایش سوم. چاپ هفتم. تهران: مرکز.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه. مصحح: علی اکبر غفاری. ۴ ج. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. انصاری، مرجان و شرکت افتخار، سولماز. (۱۳۸۴). فرهنگ نام سخن. به سرپرستی و با پیشگفتار حسن انوری. چاپ اول. تهران: سخن.
۵. انوری، حسن [سرپرست]. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. ۸ ج. چاپ اول. تهران: سخن.
۶. ایمانی، منیژه. (۱۳۶۳). «نام‌شناسی و نام‌گذاری در ایران». مجله زبان‌شناسی. س ۱، ش ۱، بهار و تابستان، صص ۷۶-۸۷.
۷. بحرانی، محمود. (۱۳۸۵). «زمینه‌یابی فرهنگ نام‌گذاری نوزادان در شهر شیراز». مجله زبان‌شناسی. س ۲۱، ش ۱ و ۲ (پیاپی ۴۱ و ۴۲)، صص ۱۱۸-۱۰۵.
۸. برومند سعید، جواد. (۱۳۸۳). ریشه‌شناسی و اشتقاق در زبان فارسی. چاپ اول. کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
۹. ثمره، یدالله. (۱۳۸۸). آواشناسی زبان فارسی: آواها و ساخت آوایی هجا. ویرایش دوم. چاپ هشتم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۰. حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۹۰). دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی. به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی. چاپ دهم. تهران: زوار.
۱۱. حسن دوست، محمد. (۱۳۹۳). فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی. ۵ ج. چاپ اول (ج ۵-۲) و چاپ دوم (ج ۱). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۱۲. خالقی مطلق، جلال. (۱۳۸۹). یادداشت‌های شاهنامه. ج ۱. چاپ اول. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۱۳. خانلری، پرویز. (۱۳۸۶). زبان‌شناسی و زبان فارسی. چاپ هفتم. تهران: توس.
۱۴. خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۹). دانش‌نامه قرآن و قرآن‌پژوهی. چاپ اول. تهران: دوستان.
۱۵. \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۹). حافظ‌نامه: شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی و ابیات دشوار حافظ. ۲ بخش. چاپ نوزدهم (سیزدهم از ویراست دوم). تهران: علمی و فرهنگی.
۱۶. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۳). امثال و حکم. ج ۱. چاپ ششم. تهران: امیرکبیر.
۱۷. راستگو، سید محمد. (۱۳۸۲). هنر سخن‌آرایی (فن بدیع). چاپ اول. تهران: سمت.
۱۸. شفیع کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۷). «جادوی مجاورت». بخارا. ش ۲، مهر، صص ۲۶-۱۶.
۱۹. شقاقی، ویدا. (۱۳۸۹). مبانی صرف. چاپ چهارم. تهران: سمت.
۲۰. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۹). انواع ادبی. چاپ هفتم. تهران: فردوس.

۲۱. صادقی، علی‌اشرف. (۱۳۷۱). «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۸)». نشر دانش. ش ۷۴، بهمن و اسفند، صص ۲۹-۲۲.
۲۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). «تسمیه: نام‌گذاری در ایران». در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. ج ۱۵. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. چاپ اول. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. صص ۳۱۱-۳۰۴.
۲۳. صفوی، کورش. (۱۳۸۷). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. چاپ سوم. تهران: سوره مهر.
۲۴. طیب، محمدتقی و علی‌نژاد، بتول. (۱۳۸۲). «بررسی گرایش‌های جدید نامگذاری در اصفهان از دیدگاه زبان‌شناسی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*. دوره ۲، ش ۳۲ و ۳۳، بهار و تابستان، صص ۵۸-۲۳.
۲۵. عسکری کرمانی، حمید. (۱۳۸۱). «گرایش‌های نام‌گذاری دختران و پسران ایرانی در فاصله سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۶ و علل تغییر اسامی در بزرگسالان». *مجله زبان‌شناسی*. س ۱۷، ش ۱، صص ۷۶-۴۲.
۲۶. عطار، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۸). *منطق‌الطیر*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی کدکنی. ویرایش دوم. چاپ پنجم. تهران: سخن.
۲۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). *منطق‌الطیر*. تصحیح و توضیح: محمود عابدی و تقی پورنامداریان. چاپ اول. تهران: سمت.
۲۸. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). *شاهنامه*. ویرایش جلال خالقی مطلق. ۴ ج. چاپ اول. تهران: سخن.
۲۹. مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ ق.). *بحار الأنوار*. تصحیح جمعی از محققان. ۱۱ ج. چاپ دوم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۰. میرخلیل‌زاده ارشادی، بابک. (۱۳۷۲). «مقایسه تنوع نام‌های زنان و مردان ایرانی». *مجله زبان‌شناسی*. س ۱۰، ش ۲ (پیاپی ۲۰)، پاییز و زمستان (تاریخ انتشار: خرداد ۱۳۷۵)، صص ۱۰۷-۸۴.
۳۱. نجفی، ابوالحسن. (۱۳۹۰). *غلط‌نویسیم: فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی*. چاپ شانزدهم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳۲. نظری، فاضل. (۱۳۸۸). *آن‌ها*. چاپ پنجم. تهران: سوره مهر.